

تحقیق در

تفسیر ابوالفتوح رازی رحمۃ اللہ علیہ

(احادیث)

جلد دوم

تألیف

دکتر عسکر حقوفی

به کوشش

سید ابوالحسن علوی

مجموعه آثار کنگره بزرگداشت شیخ ابوالفتوح رازی رحمۃ اللہ علیہ - ۶

حقوقی، عسکر، ۱۲۹۹ - ۱۳۸۰.

تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی / تألیف عسکر حقوقی؛ به کوشش:
علی اکبر زمانی نژاد، سید ابوالحسن علوی، سید مجتبی صفی . . قم:
دارالحديث، ۱۴۲۶ ق = ۱۳۸۴.

۳ ج. . (مجموعه آثار کنگره بزرگداشت شیخ ابوالفتوح رازی رحمه الله ۵ - ۷).

ISBN : 964 - 493 - 043 - 6 ۳۵۵۰۰ ریال

ISBN(set): 964 - 493 - 041 - X کتاب نامه.

۱. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، قرن - ۶ ق. . روض الجنان - نقد و
تفسیر. الف. زمانی نژاد، علی اکبر، ۱۳۴۲ - . ب. علوی، سید ابوالحسن،
۱۳۴۰ - ج. صفی، سید مجتبی، ۱۳۴۱ - . د. کنگره بزرگداشت شیخ
ابوالفتوح رازی. ه. عنوان . و. عنوان: تفسیر ابوالفتوح رازی .

BP۹۲/۵/ ۲ الف ۹۰۹۳ ۱۳۸۴



تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی رحمه الله

(احادیث)

(جلد دوم)

تألیف: دکتر عسکر حقوقی

به کوشش: سید ابوالحسن علوی

(مجموعه آثار کنگره بزرگداشت شیخ ابوالفتوح رازی رحمه الله ۶)

ناشر / سازمان چاپ و نشر دارالحديث

چاپ / اول، تابستان ۱۳۸۴

چاپخانه / دارالحديث

شمارگان / ۱۰۰۰ نسخه

بها / ۳۵۵۰ تومان

آدرس: قم، خیابان معلم، نبش کوچه ۱۲، پلاک ۱۲۵

تلفن: ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۴۵ - ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۷۱

فهرست اجمالی

۷	مقدمه
۳۹	احادیث نبوی
۱۸۹	احادیث نبوی ﷺ به فارسی
۵۱۵	احادیث ائمه اطهار علیهم السلام
۵۳۷	احادیث ائمه اطهار علیهم السلام به فارسی
۵۷۱	فهارس عمومی
۵۷۳	۱. فهرست آیات
۵۸۳	۲. فهرست احادیث نبوی ﷺ
۶۱۱	۳. فهرست روایات ائمه علیهم السلام
۶۱۵	۴. فهرست اعلام
۶۳۳	۵. فهرست گروهها
۶۳۹	۶. فهرست کتابها
۶۴۳	۷. فهرست امکنه
۶۴۷	۸. فهرست مطالب

مقدمه

أَنَا أَفْصَحُ مَنْ نَطَقَ بِالصَّادِ
وَأَوْتَيْتُ جَوَامِعَ الْكَلِمِ.^۱

حدیث و معانی و تعریفهای آن

در آداب زبان فارسی از لفظ «حدیث» معانی مختلف و متعدّدی استنباط گردید؛ از آن جمله اند این معانی:

چیز نو، چیزی نو، سخن نو، مرد اندک سال، جوان، مسئله، امر، کار، شغل، باره، مطلب، قضیه، وقعه، واقعه، حادثه، حال، پیش آمد، باب، ماجری، ازدر، درخور، سزاوار، مبحث، موضوع باب، عقیده، اعتقاد، عزم، قصد، عزیمت، سودا، فکر، اندیشه، عشق، خبر، اطلاع، آگاهی، قصّه، حکایت، افسانه، داستان، نقل، سَمَر، تاریخ، حرف.

ولی در اصطلاح محدّثان، حدیث عبارت است از گفتار رسول ﷺ و حکایت اقوال و افعال آن حضرت و ائمه^۲ اطهار علیهم السلام.

تهانوی در کتاب خلاصة الخلاصة نوشت که: قول صحابی و تابعی را هم می توان حدیث نامید. در شرح النخبة آمده: حدیث آن چیزی است که به حضرت پیغمبر

۱. القوائد المجموعة في الأحاديث الموضوعة، الشكوكاني، ص ۳۴۸.

۲. كشف الظنون، ج ۱، ص ۶۳۵: الوجيزة في الدراية (الشيخ البهائي)، ص ۲. شيخ بهایی حدیث را چنین تعریف می کند «الْحَدِيثُ كَلَامٌ يَحْكِي قَوْلَ الْمَعْصُومِ أَوْ فِعْلَهُ أَوْ تَقْرِيرَهُ».

نسبت داده شود قولاً و فعلاً و تقریراً و صنعتاً.

و پاره‌ای گفته‌اند: و رؤیا، یعنی اگر در خواب هم از پیغمبر چیزی دیده شد، نقل او حدیث باشد؛ حتی حرکات و سکونات آن حضرت، اگر در بیداری نقل شود، حدیث است.

پس حدیث نسبت به سنت اعم باشد. صاحب تلویح گوید: سنت اعم از حدیث و آن چیزی است که از نبی صادر شده باشد غیر از قرآن از جنس گفتار و آن را حدیث یا کردار، یا تقریر نامند. و اینکه در ضمن تعریف سنت، قید قرآن کرده، برای احتراز از خود قرآن است؛ چه قرآن را در اصطلاح، حدیث نگویند.^۱ و آنچه تلاوت آن نسخ شده باشد و داخل در قرآن شود، و همچنان است قرائات شاذّه و مشهوره....

حدیث نبوی و قدسی^۲

حدیث نبوی آن چنان حدیثی است که مستقیماً از رسول صلی الله علیه و آله روایت شود. اما حدیث قدسی حدیثی است که پیغمبر آن را به واسطه جبرئیل از پروردگار خود روایت کرده است.

حبیبی در حاشیه تاریخ در رکن اول در بیان معنی قرآن گوید:

احادیث الهیه احادیثی است که حق «عز اسمه» آن را به سوی پیغمبر در شب معراج بر طریق وحی فرستاده و آن احادیث به «أسرار الوحي» نام نهاده شده است.

۱. بعضی را عقیده بر این است که قرآن نیز خود حدیث است و در اثبات این نظریه آیاتی چند از کلام الله را مستنداً ذکر می‌کنند؛ نظیر آیه: «اللّٰهُ نَزَلَ اَحْسَنَ الْخَبْرِ كِتَاباً مُّتَشَابِهاً مَثَابِی تَفْشَعُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِیْنَ یَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِیْنُ جُلُودَهُمْ وَ قُلُوبُهُمْ اِلٰی ذِکْرِ اللّٰهِ ذَلِكِ هُدٰی اللّٰهُ یَهْدِیْ بِهٖ مَنْ یَّشَآءُ وَ مَنْ یُضِلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ» الزمر (۳۹): آیه ۲۴ و آیه: «فَلِیَاْتُوا بِحَدِیْثٍ مِّثْلِهِ».

۲. در مورد حدیث قدسی رجوع کنید به کتاب «الجواهر السّتیة فی الاحادیث القدسیة»: تألیف محمد بن

ابن الحجر گوید: باید بین وحی متلو، که عبارت از قرآن است، با وحی روایت شده از پیغمبر، که از خداوند روایت کرده، فرقی نهاده شود، و آن عبارت است از یک رشته احادیثی که پیغمبر از پروردگار خود در شب معراج روایت کرده، و قریب به یکصد حدیث می باشد. یکی از علما آن احادیث را جمع آوری کرد و جمله آن احادیث را به نام حدیث قدسی نامید. و نیز گوید: کلام منسوب به خدای تعالی را اقسامی چند باشد. نخستین و اشرف آنها قرآن مجید است که به خصیصه اعجاز در فصاحت، و بقای آن معجزه برگذر روزگاران، و محفوظ بودن از تغییر و تبدیل، و حرام بودن بسوذن آن با دست شخص محدث، و عدم تلاوت آن در حال جنایت، و روایت آن به معنی، و تعیین آن در نماز، و به اختصاص تسمیه آن به قرآن، و به این که هر حرفی از آن معادل با ده حرف از سایر کلمات باشد، و به منع معامله مجلد کلام الله بین الدفتین در روایت احمد، و گراخت او نزد ما، و به تسمیه جمله ای از قرآن به آیت و سورت، و دیگر خصایص، از بیان سایر کتب منزله آسمانی و دیگر فرموده های خداوند از احادیث قدسیه، و غیره ممتاز و برتر و بالاتر است. و آنچه درباره قرآن مجید روا نیست، درباره سایر کتب منزله روا باشد.

دوم از اقسام کلام حق، کتب انبیا است، قبل از آنکه تغییر و تبدیل و تجریفی در آن کتب صورت پذیرفته باشد.

سوم از اقسام کلام حق، بقیه احادیث قدسیه است و آن عبارت است از آنچه بر سبیل خبر آحاد از پیغمبر به ما رسیده است با اسناد مربوطه که از پروردگار خود روایت فرموده، پس این قبیل سخنان به حق نسبت داده شود. و این نسبت انشای کلام به او جل شانه باشد زیرا اوست متکلم اول. و گاه این قبیل سخنان را به پیغمبر نسبت دهند، زیرا او از حق خبر داده است، به خلاف قرآن که نسبت آن را جز به حق به احدی نتوان داد. درباره قرآن اگر ذکر بی به میان آید گویند: «قال الله تعالى» و برعکس درباره احادیث قدسیه گویند: «قال رسول الله فیما یروی عن ربه» و

اختلاف کرده‌اند در بقیة سنت که آیا تمامی آنچه از سنت وارد شده آن هم وحی است یا نیست. آیه: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ»^۱ حکم می‌کند که سنت هم در حکم وحی است. و از این جاست که پیغمبر فرموده: «أَلَا إِنِّي أُوتِيتُ الْكِتَابَ وَمِثْلَهُ مَعَهُ»^۲. این احادیث در کیفیت از کیفیات وحی منحصر نباشد، بلکه جایز است که وحی نازل شود به هر کیفیتی از کیفیات که صورت گرفته باشد؛ مانند خواب دیدن و الهام و به زبان فرشته رسیدن. برای راوی این احادیث در نزد محدثان دو صیغه است: یکی «قال رسول الله فيما يروى عن ربه» و این صیغه عبارت و گفتار علمای سلف است. و دیگری «قال الله تعالى فيما رواه عنه رسول الله ﷺ» و این دو صیغه بر حسب معنی یکی باشند.

اقسام حدیث

حدیث را به «حسن»، «صحیح» و «ضعیف» تقسیم کنند^۳ و هر کدام به سیزده قسم منقسم شوند: مسند، متصل، مرفوع، معنعن، معلق، فرد، مدرج، مشهور، عزیز، غریب، مصحف، مسلسل، زائد الثقة.

و ضعیف به دوازده صنف تقسیم گردد:

موقوف، مقطوع، مرسل، منقطع، معضل، شاذ، منکر، معلل، مدلس، مضطرب، مقلوب، موضوع.^۴



گروهی از محدثین میان حدیث و خبر فرق نمی‌گذاشتند و آنها را دو مترادف می‌پنداشتند. بعضی از آنان گفته‌اند که خبر از حدیث اعم است؛ چه خبر بر هر چه

۱. النجم (۵۳): آیه ۳. ۲. لسان المیزان، ابن حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۳.

۳. التقرب نووی چاپ شده در اول صحیح بخاری به شرح کرمانی ص ۲؛ الدراية في مصطلح الحديث،

شهید ثانی، ص ۱۹ - ۲۵. ۴. همان، ص ۳ - ۹.

از پیغمبر و غیر او رسیده صادق آید، و حدیث بر خلاف آن است؛ چه آن بر پیغمبر اختصاص دارد. پس هر حدیثی خبر باشد من غیر عکس کلی. و برخی گفته‌اند این دو متباین‌اند؛ چه حدیث آن است که از پیغمبر رسیده باشد و خبر آن است که از غیر و روایت شده باشد. و از این روی به کسانی که به تواریخ و مانند آن اشتغال دارند «اخباری» گویند و مشغولان به سنت نبوی را «محدث» نامند.

علم الحديث

علمی است که در آن از چگونگی اتصال احادیث به پیغمبر از نظر احوال راویان در ضبط و عدالت، و از نظر چگونگی زنجیره سند که متصل یا منقطع باشد بحث می‌کند.^۱

تهانوی گوید: ... علم حدیث علمی است که اقوال و افعال رسول را بدان شناسند، و چون آن گفته‌ها به زبان عرب است دانستن زبان عرب شرط آن است و افعال پیغمبر کارهای وی است که برای ما حجت و متبع است و کرمانی به این تعریف «احوال پیغمبر» را افزوده است.

درایة الحديث

علمی است که در مفهوم الفاظ حدیث از نظر قواعد عربیت و طبق احوال پیغمبر گفتگو^۲ کند.

حَدِيثٌ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنَ أَلْفِ تَرْوِيهِ.

(درایت و فهم یک حدیث از نقل هزار حدیث بهتر است.) که منسوب است به

۱. کشف الظنون، حاجی خلیفه، ج ۱، ص ۶۳۵؛ وجیزه شیخ بهائی، ص ۱؛ الدرایة فی علم مصطلح

۲. مقدمه کشاف اصطلاحات الفنون.

الحديث، شهید ثانی، ص ۵.

یکی از امامان علیهم السلام در همین زمینه آمده.

مراتب اهل حدیث

طالب: کسی را گویند که مبتدی باشد.

محدث: استاد کامل و «شیخ» و «امام» همین معنی را می‌رساند.

حافظ: کسی که صد هزار حدیث داند با شرح حال.

حجت: کسی که سیصد هزار حدیث آن چنانه داند.

و جزری گفت: راوی، ناقل حدیث باشد و محدث، کسی که آن را بررسی دقیق کرده است.

حافظ: کسی که هرچه بدو رسد، حفظ و نقل کند.^۱

حافظ: در اصطلاح درایه به معنی متقن است. حافظ را مترادف محدث نیز گرفته‌اند و گفتند که حافظ کسی را گویند که عارف به حدیث بوده و متقن باشد. حافظ کسی است که بر اکثر مشایخ هر طبقه از احادیث عالم و دانا باشد؛ به طوری که آنچه را که از هر طبقه از ایشان می‌شناسد، بیشتر از کسانی باشند که عارف به اوضاع و احوالشان نمی‌باشد. در اصطلاح مسلمانان به یکی از دو معنی اطلاق می‌گردد: اول کسی که قرآن از برداشته باشد. دوم کسی که صد هزار حدیث از برداشته باشد.^۲

شعب و فروع علم حدیث

نظر به اهمیتی که علم حدیث در همان اوان پیدا کرد، به شعب و فروعی تقسیم شد، به این شرح:

علم شرح الحدیث، علم اسباب ورود الاحادیث و ازمنته و امکنته، ناسخ

۱. مقدمه کتاب کشف اصطلاحات الفنون. ۲. نامه دانشوران، در ترجمه احوال حافظ ابرو.

الحديث و منسوخه، علم تأویل اقوال النبی، علم رموز اقوال النبی، علم غرائب لغات الحديث، علم تلفیق الأحادیث، علم رواة الأحادیث، علم النظر فی الأسانید و جز آنها.^۱

ناقلین حدیث در عصر پیامبر

تا زمانی که نبی مکرم زنده بود، در مدت ۲۳ سال رسالت خویش، نسبت به ارشاد و راهنمایی مسلمانان شخصاً اظهار علاقه می فرمود و هرگاه آیتی از آیات کلام الله بر آن بزرگوار نازل می شد، کتابِ وحی آن را از زبان پیغمبر می گرفتند و ثبت و ضبط می کردند. هر وقت مشکلی در فهم و درک احکام الهی پیش می آمد، مسلمین به رسول خدا روی می آوردند و حلّ مشکل را از ایشان درخواست داشتند و وی بر پایه و اساس تفسیر و تبیین احکام و قوانین دین پاسخهایی می فرمود که رفع اشکال از مراجعه کنندگان می شد.

در طول ۲۳ سال نبوت حضرت ختمی مرتبت، مسلمانان به ضبط سخنان پیشوای خود التفات و توجه کامل نداشتند؛ چه این که با وجود آن بزرگوار، احساس احتیاج به این مهمّ بر آنان دشوار بود، تا این که زمان رحلت پیغمبر فرا رسید و مسلمین یکباره خلأئی احساس کردند و متوجه شدند که سخنان و احادیث قاید عظیم الشان در تفسیر و تنسیق احکام الهی و بیان و توضیح مشکلات دین تا چه حدّ مثمر ثمر است. بدین روی، به جمع احادیث فرستاده خدا روی آوردند و چون صحابه آن حضرت بیش از دیگران از منبع فیض نبوی بهره مند شدند و با نظارتی که رسول اکرم بر اعمال یاران نزدیک و صدیق خود داشت، بنابراین صحت اقوال صحابه در نقل احادیث پیغمبر و درستی اعمال آنان بیشتر مورد اعتماد و وثوق

۱. تقریب نووی، ص ۱۴ - ۴۸: الدراية فی علم مصطلح الحديث، ص ۴۲ به بعد.

عامه مسلمین قرار گرفت. از میان همه صحابه، چند تن که به کثرت نقل حدیث از رسول خدا شهرت داشتند، یکی مولا امیر مؤمنان علی علیه السلام و دیگر سلمان فارسی و عمار یاسر و عبدالله بن مسعود و عبدالرحمان بن عوف و ابوموسی اشعری و انس بن مالک و ابوهریره و عمر بن خطاب و عایشه زوجه پیامبر است.

در کتاب طبقات ابن سعد چنین آمده:

«قال محمد بن محمد الأسلمي: إنما قلت الرواية عن الأكابر من أصحاب رسول الله ﷺ لأنهم ماتوا قبل أن يحتاج إليهم. وإنما كثرت عن عمر بن الخطاب وعن علي بن أبي طالب لأنهما وليا فسطا وقضيا بين الناس. وكل أصحاب رسول الله ﷺ أقل حديثاً عنه من غيرهم، مثل أبي بكر وعثمان وطلحة وزبير وسعد بن أبي وقاص وعبدالرحمان بن عوف وأبي عبيدة بن الجراح وسعيد بن زيد وأبي بن كعب وسعد بن عباد وعبادة بن الصامت واسيد بن حضير ومعاذ بن جبل ونظرائهم. فلم يأت عنهم من كثرة الحديث مثل ما جاء عن الأحداث من أصحاب رسول الله ﷺ، مثل: جابر بن عبدالله وأبي سعيد الخدري وأبي هريرة وعبدالله بن عمر بن الخطاب وعبدالله بن عمرو بن العاص وعبدالله بن عباس ورافع بن خديج وأنس بن مالك والبراء بن عازب ونظرائهم، لأنهم بقوا وطالت أعمارهم في الناس فاحتاج الناس إليهم. وبقي كثير من أصحاب رسول الله ﷺ، ومنهم من لم يحدث عنه ولكننا حملنا الأمر في ذلك منهم على التوقي في الحديث وعلى أنه لم يحتج إليه لكثرة أصحاب رسول الله ﷺ وعلى الاشتغال بالعبادة والأسفار في الجهاد على سبيل الله حتى مضوا ولم يحفظ عنهم عن النبي ﷺ شيء»^۱.

جمع و تدوین احادیث پس از رحلت رسول اکرم

پس از رحلت پیامبر، بهترین وسیله و مهم ترین آن جهت درک حقایق دین و آگاهی

بر احکام آن، احادیث نبوی بود و هر قدر حکومت اسلامی در شهرهای جهان رسوخ و نفوذ پیدا می‌کرد، اهمیت این امر بیشتر می‌شد. بنابراین کسانی پیدا شدند که برای جمع و ضبط احادیث پیغمبر بذل همت و صرف عمر می‌نمودند و هر قدر در کار جمع احادیث صحیح بیشتر سعی می‌کردند، بیشتر مورد توجه و عنایت مسلمانان قرار می‌گرفتند. همین امر، یعنی جلب توجه مسلمین، سبب شد که برای دسترسی به احادیث صحیح، رنج سفرهای دراز را بر خود هموار می‌داشتند؛ به طوری که در همان اواخر قرن اول هجری عده قابل توجهی از علمای دین به نقل حدیث و روایت شهرت یافتند. علی بن مدینی یکی از آن جمله کسانی است که در اصفای احادیث صحیح و به دست آوردن آنها بار سفر می‌بست و از مکه به مدینه می‌رفت: «حججت حجة و ليس لي همة الا ان أسمع»^۱ ابی العالیه یکی دیگر از همین محدثین است، می‌گوید:

«كُنَّا نَسْمَعُ الرَّوَايَةَ عَنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِالْبَصْرَةِ، فَلَمْ نَرْضَ حَتَّى رَكِبْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ، فَسَمِعْنَا مِنْ أَفْوَاهِهِمْ»^۲.

در کتاب علوم الحدیث ابن صلاح آمده که ابی قلابه بصری برای به دست آوردن یک حدیث از روایت کننده اصلی، مدت سه سال در مدینه به سربرد تا به مقصود رسید. به ذکر این نکته ناگزیریم که بنا بر مآخذ معتبر، در دوران حیات پیغمبر تا مدتی از جمع احادیث خودداری می‌شد و فقط مسلمین به استماع حدیث می‌پرداختند. ابن حجر عسقلانی به نقل از ابوزرعه نوشت که یکصد هزار تن از صحابه و یاران پیغمبر، از آن حضرت استماع حدیث کرده بودند.^۳ بنا بر ذکر مآخذ معتبر کسانی چون جابر بن عبدالله انصاری، سهل ابن سعد انصاری، انس بن مالک، عبدالله بن حارث زبیدی، عبدالله مازنی

۱. رجوع شود به سنن ترمذی، ج ۱، ص ۱۹۶.

۲. علوم الحدیث ابن صلاح، ص ۴۳.

۳. الأصابة فی تمییز الصحابه، ج ۱، ص ۳.

اسلمی و دیگران در بلاد اسلامی چون مدینه و بصره و شام به سر می بردند و به احادیث نبوی وقوف و اطلاع کامل داشتند.^۱

عمر بن خطاب، خلیفه دوم، قصد جمع و تدوین احادیث پیغمبر را کرد، ولی پس از چندی انصراف خاطر پیدا نمود.

در صحیح مسلم حدیثی منسوب به پیغمبر ذکر شد، به این شرح: لا تَكْتَبُوا عَنِّي، وَمَنْ كَتَبَ عَنِّي غَيْرَ الْقُرْآنِ فَلْيَمْحُهُ، وَحَدِّثُوا عَنِّي وَلَا حَرَجَ.^۲

به موجب این حدیث که جمعی هم در صحت آن تردید داشته اند، بعضی ها فکر می کرده اند که پیغامبر اسلام جمع آوری احادیث را تحریم فرمود و براساس همین فکر نوشته اند که ابوبکر احادیثی را که خود جمع کرده بود از بین برد؛ از بیم آنکه مبدا همان حدیثها که از رسول خدا شنیده است، نباشد.

پس از این جریانات سرانجام احساس احتیاج مبرم به جمع و ضبط احادیث پیغمبر اسلام، مشهود شد و چون به کتابت علوم پرداختند. پیش از همه، ابتدا علما، احادیث نبوی را جمع و تدوین و ثبت نمودند و با صداقت و علاقه وافر و کمال دقت به بحث در حدیث از جهت مراتب روات در صدق و امانت و قرب و علو اسناد و صحت نقل و ضعف روایت، روی آوردند و چون اخبار پیغمبر مستند همه فرق اسلامی بود و احتمال، بلکه قطع به وضع و جعل روایت در بعضی موارد از طرف بعض فرقه ها انکارناپذیر می نمود، دقت و بحث در احوال روات واجب و لازم آمد و علم درایت در معرفت رجال پیدا شد. فقها و مفسرین و متکلمین در اثبات عقاید خویش به احادیث استناد جسته اند و شعرا و ادبا و نویسندگان برای آرایش گفتار خویش در حفظ و ایراد احادیث، علاقه وافر از خود نشان می دادند.

در کتاب ارشاد الساری فی شرح صحیح بخاری آمده که عمر بن عبدالعزیز، - که از

سال ۹۹ تا ۱۰۱ هجری، یعنی دو سال و پنج ماه، خلافت نمود، به قاضی مدینه، ابوبکر بن محمد فرمان داد که احادیث را جمع آوری نماید و به وی نوشت: **أَنْظُرْ مَا كَانَ مِنْ حَدِيثِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَوْ سُنَّتِهِ فَاكْتُبْهُ، فَإِنِّي خِفْتُ دُرُوسَ الْعِلْمِ وَذَهَابَ الْعُلَمَاءِ.**

ابن حجر در کتاب **فتح الباری فی شرح صحیح بخاری** می نویسد عمر این مأموریت را به ابن شهاب زهری داد که وی به این مهم دست یازد و احادیث را جمع و تدوین نماید.

به هر تقدیر، از اوایل قرن دوم هجری جمعی بر این کار قیام نمودند که معروف ترین ایشان عبارت اند از:

ابن جریج (م ۱۵۰هـ) در مکه، و محمد بن اسحاق (م ۱۵۱هـ) و مالک بن انس (م ۱۷۹هـ) در مدینه، و ربیع بن صبیح (م ۱۶۰هـ) و سعید بن ابی عروبہ (م ۱۵۶هـ) و حماد بن سلمه (م ۱۷۶هـ) در بصره، و سفیان الثوری (م ۱۶۱هـ) در کوفه و ابن المبارک (م ۱۸۱هـ) در خراسان، و زیاد البکائی (م ۱۸۳هـ) در کوفه و سفیان بن عیینہ (م ۱۹۸هـ) در مکه، و اوزاعی (م ۱۶۰هـ) در شام، که از همه آن مجموعه ها که در احادیث فراهم آمده بود، جز **مَوْطَأَ مالک بن انس**^۱، آثار دیگران از بین رفت و از باقیمانده آنها چنین برمی آید که در تدوین آن کتابها به ترتیب فقهی نظر داشتند.

ابن حزم می نویسد که احادیث مالک را برشمردم؛ کمی بیش از پانصد حدیث مُسْنَد و اندکی بالاتر از سیصد حدیث مرسل و هفتاد و اندی حدیث متروک در موطأ یافتیم. در موطأ از ۹۵ نفر از رجال احادیث روایت شده است و به یک هزار حدیث بالغ می شود. به نقل **کشف الظنون**، موطأ در یازده روایت نقل شد که از همه مشهورتر روایت یحیی بن یحیی لیشی مصری است.

۱. مالک بن انس حمیری اصبحی مدنی در سال ۹۳ با ۹۵ هجری به دنیا آمد و در سال ۱۶۹ دار فانی را بدرود گفت. فقه را از ربیعة الرأی آموخت.

کار جمع‌آوری و تدوین احادیث و تألیف مسانید در قرن دوم به شیوه بهتری انجام شد و کسانی که به این امر پرداختند، احادیث را به حسب زوات، فراهم و جمع کردند؛ یعنی ترتیب فقهی را که سابق بر این در تدوین و جمع احادیث رسم بود، کنار گذاشتند. از مسانیدی که در این قرن تهیه و تدوین شد، یکی مسند عبیدالله بن موسی الکوفی و مسند بن مسرهد بصری است.

نقد احادیث و عصر صحاح

در قرن سوم فکر نقد احادیث و تمییز انواع آنها از یکدیگر و ذکر رجال حدیث و حکم نسبت به آنان از قرن دوم بیشتر نضج و رونق گرفت و اصولی که محدثین در تشخیص مراتب روایت از صحیح و سقیم و قوی و ضعیف و درجات روایت از عدل و ثقه و نظایر آنها اتخاذ کرده‌اند، در حقیقت پایه و مبنای نقد ادبی و لغوی قرار گرفت و از آن پس علما به ذکر سلسله روایت نظر داشتند و چنین می‌کردند.

این دوره را باید عصر تألیف صحاح نام گذاشت. شش تن از بزرگان به تألیف آثار خویش پرداختند و آنها عبارت‌اند از:

۱. ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره جعفری بخاری که در سال ۱۹۴ هجری به دنیا آمد. نیاکان وی زردشتی بودند و مغیره نخستین کسی از این خاندان بود که دین اسلام پذیرفت. بخاری با اندوخته سرشار پدر برای تحصیل و تکمیل دانش خود به شهرهای بزرگ، که در آن روزگار از جهت اخذ حدیث شهرت کامل داشتند، سفر کرد. شاگرد ابن حنبل و یحیی بن معین بود. خالد ذهلی فرمانروای خراسان وی را به یکی از قرای سمرقند تبعید کرد و او در آن قریه در سال ۲۵۶ هـ در ۶۲ سالگی درگذشت. کتاب الجامع الصحیح معروف به صحیح بخاری از وی باقی مانده است^۱ که دارای ۷۲۵۷ تا ۹۲۰۰ حدیث است که در مدت بالغ بر

۱. رجوع کنید به کتاب وفیات الاعیان، ج ۲، ص ۳۰، و ریحانة الادب، ج ۱، و رجوع شود به کشف

شانزده سال آن را جمع و تدوین نمود؛ هر یک از ابواب این کتاب مصدر به آیتی از قرآن مجید و دارای عنوان خاصی است.

۲. ابوالحسن مسلم بن الحجاج قشیری نیشابوری در سال ۲۰۶ یا ۲۰۴ هـ به دنیا آمد. از جمله کسانی بود که برای جمع احادیث بار سفر برمی بست و به بلاد و شهرهای معروف و معتبر چون شام و مصر و عراق و حجاز سفر می کرد. گویند صحیح مسلم برگزیده احادیثی است میان سیصد هزار حدیث؛ وی نزد بخاری استماع حدیث می نمود و به سال ۲۶۱ هـ در ۵۵ سالگی درگذشت.^۱ کتاب صحیح مسلم فاقد عناوین برای ابواب است. صحیح مسلم دارای ۷۲۷۵ حدیث است که پس از حذف احادیث مکرر، نزدیک به چهار هزار حدیث باقی می ماند.

۳. ابو عبدالله محمد بن یزید القزوی به سال ۲۰۹ هـ به دنیا آمد و در ۲۷۳ دار فانی را وداع گفت. ابن ماجه برای اخذ حدیث به شهرهای بغداد و شام و مصر و مکه و کوفه، که از امتهات بلاد اسلامی و مرکز محدثین معروف بود، سفر کرد و صحیح خود را جمع و تدوین نمود. به علاوه صاحب کتاب تفسیری است بر قرآن مجید.^۲ بر کتاب صحیح ابن ماجه شروحن نوشته شد که شرح سیوطی، مصباح الزجاجة علی سنن ابن ماجه نام دارد.

۴. ابو داوود سلیمان بن داوود سجستانی متولد به سال ۲۰۲ هـ و متوفا به سال ۲۷۵ در شهر بصره، به شهرهای معروفی که نامشان گذشت، سفر کرد تا احادیث صحیح به دست آورد. پس از جمع احادیث، آن را از نظر احمد بن حنبل گذرانید و سرانجام از میان پانصد هزار حدیث، سنن را در ۴۸۰۰ حدیث ترتیب داد و تدوین نمود.^۳ بر کتاب سنن ابی داوود شروحن نوشته اند که دو شرح یکی شرح سیوطی به

→ الظنون، ج ۱، ص ۵۴۳. ۱. رجوع کنید به ابن خلکان، ج ۲، ص ۲۰۹.

۲. رجوع کنید به ابن خلکان، ج ۲، ص ۵۹ و ریحانة الادب، ج ۶، ص ۱۳۵ و الکنی و الالقاب، ج ۱.

۳. رجوع شود به کتاب ابن خلکان، ج ۱، ص ۲۳۰.

نام *مراقبة الصعود الى سنن ابي داود* و دیگری شرح *ابو سليمان خطابی* معروف است.

۵. محمد بن عیسی بن سوره، در سال ۲۰۰ھ در قریه به نام بوغ که در شش فرسنگی ترمذ قرار داشت، به دنیا آمد و چون پیشینیان خود نزد بخاری و علمای دیگر حدیث تلمذ کرد. وی از نعمت بینایی محروم بود و با این وصف در پرتو علاقه وافر و سعی و کوشش فراوان خود توانست کتاب *سنن* را ترتیب دهد. به علاوه به تألیف دو کتاب دیگر به نام *علل و شمائل النبی* توفیق یافت.

وفات وی به سال ۲۷۹ھ رخ داد. احادیث در *سنن ترمذی* کمتر تکرار شد. شروحنی بر آن نوشته شد که یکی هم شرح سیوطی است به نام *قوت المقتدی علی جامع الترمذی* است.

۶. نسائی یکی دیگر از محدثین معروف است که به تألیف کتاب *سنن نسائی* توفیق یافت. زادگاهش شهر نسا از بلاد خراسان است و به سال ۲۱۴ هجری در این شهر به دنیا آمد و در ۳۰۳ در یکی از بلاد فلسطین در گذشت. وی مردی پارسا و پرهیزگار و غالب ایتام را روزه دار بود. چون علمای دیگر حدیث بار سفر برمی بست و برای اخذ حدیث به شهرهای دیگر سفر می نمود. وی از مخالفان جدی بنی امیه بود و کتابی در فضایل مولا امیر مؤمنان علیه السلام تألیف کرد. نسائی یک بار کتاب *سنن* خود را خلاصه کرد و بعضی احادیث را از آن حذف و کتابی تازه تدوین نمود به نام *مجتبى* که یکی از صحاح سته به شمار می آید. گویند احادیث در *سنن نسائی* تکرار شده و گاهی یک حدیث شانزده بار ذکر گردیده است.

باید دانست که نظر به وجود احادیث بی شمار مجعول، ائمه حدیث نسبت به قبول احادیث سخت گیری روا می داشتند. ابن خلدون می نویسد که ابو حنیفه فقط هفده حدیث را از میان هزاران حدیث که به پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم نسبت می دادند، پذیرفت. در کتاب *الموطأ* بیش از سیصد حدیث دیده نمی شود، ولی احمد بن حنبل در مسند خود پنجاه هزار حدیث روایت کرده و همه آنها را صحیح دانسته است. بعضی از

محدثین در روایت جنبه اقراط پیمودند و گاه کار ثبت و ضبط احادیث به پانصد و ششصد هزار و یک میلیون می‌رسید. مسلم نیشابوری کتاب حدیث خود را از روی سیصد هزار حدیث مسموع ترتیب داد و امام بخاری از روی ششصد هزار حدیث و حال آن که از این میان در حدود ۹۲۰۰ حدیث را پذیرفت.

در همان ایام بسیاری از امرا و وزرا نیز در زمره راویان حدیث به شمار می‌رفتند؛ نظیر امیر احمد بن اسد سامانی^۱ و ابو ابراهیم اسماعیل بن احمد^۲ و ابوالحسین نصر بن احمد^۳ و ابو یعقوب اسحق بن احمد^۴ که نام آنان در طبقات روایات ذکر شد و از میان وزرا، ابوالفضل محمد بن عبیدالله بلعمی وزیر پادشاهان سامانی خود روایت حدیث می‌کرد و امیر ابراهیم بن ابی عمران سیمجور و فرزندش ابوالحسن محمد بن ابراهیم از شاهنشاهان از روایات حدیث بودند و نیز ابو علی مظفر بن ابوالحسن که امیر خراسان بود خود روایت حدیث می‌کرد.^۵



بعضی از علمای حدیث از روی صحاح سته، مجموعه‌هایی ترتیب دادند؛ چون جامع الاصول لاحادیث الرسول از ابی السعادات مبارک بن محمد معروف به ابن اثیر جزری شافعی که در ۶۰۶ وفات یافت.

ابن اثیر با استفاده از صحاح شش‌گانه و حذف اسناد روایات و ذکر نام آخرین راوی، کتاب خود را تدوین و نیز نام همه راویان را در پایان کتاب ذکر نمود و اسم کتاب‌هایی که حدیث در آنها ضبط شده بود، در ابتدای آن نوشت. این کتاب بزرگ به ترتیب الفبایی مبوب شد و بعدها مورد استفاده بسیاری از بزرگان علم حدیث قرار گرفت و حتی به تلخیص آن نیز مبادرت ورزیدند.

۱. در گذشته به سال ۲۵۰هـ. ۲. متوفا به سال ۲۹۵هـ.

۳. در جمادی الاخر سال ۲۷۹هـ. در گذشت. ۴. روز ۲۱ صفر سال ۳۰۱هـ. وفات یافت.

۵. رجوع شود به کتاب انساب سمعانی ذیل کلمه سامانی و بلعمی و سیمجوری.

سیوطی نیز از روی صحاح شش‌گانه و کتابهای معتبر دیگر به تألیف و تدوین کتاب **جمع الجوامع** پرداخت که به پنجاه مجلد می‌رسد. وی کتاب مذکور را بعدها مختصر نمود و **الجامع الصغیر** نام گذاشت که مشتمل بر ۱۹۳۴ حدیث است. کتاب سیوطی، یعنی **جمع الجوامع**، توسط علی بن حسام مشهور به متقی هندی به ترتیب حروف مرتب و به نام **کنز العمال** نامیده شد. وی **جامع الصغیر** سیوطی را نیز منظم و مبوب ساخت و آن را **منهج العمال فی سنن الاقوال** نام گذاشت. ابی بکر احمد بن حسین خسروجردی، که در سال ۴۵۸ وفات یافت، با مراجعه به ۷۴ کتاب حدیث، سنن بیهقی را تألیف نمود.

برای اطلاع بیشتر بر کوشش علما و محدثین در ترتیب و تنظیم و تألیف کتب احادیث باید به منابع و مآخذ معتبر مراجعه نمود؛ چه نام همه آنها در این مقدمه کوتاه نخواهد گنجید.

شیعه و جمع و تدوین احادیث

در مقدمه مجلد نخستین این کتاب اشاره شد که ظهور و وجود آثار علمی در اسلام مرهون علاقه‌مندی فراوان شیعه به کتابت علم بوده؛ در حالی که فرق دیگر اسلامی معتقد بودند که کتابت علم جایز نیست و دانشها را سینه به سینه به یکدیگر می‌رسانیدند.^۱

از عبید بن زراره نقل شد که وی گفت که حضرت امام حسین علیه السلام فرمود: «احتفظوا بکتبکم فانکم سوف تحتاجون الیها».

همه امامان علیهم السلام علوم را در دسترس طلاب می‌گذاشته‌اند و آنان را به کتاب آن دانشها دستور می‌فرمودند:

«صَنَّفَ الامامیة عن عهد امیرالمؤمنین علی علیه السلام، الی عهد ابی محمد الحسن

۱. رجوع کنید به کتاب تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱، ص ۳۷، مقدمه به بعد.

العسکری صلوات الله علیه، اربع مائة کتاب یسمی الاصول وهذا معنی قولهم اصل^۱».

گویند نخستین کتابی که در علم حدیث تألیف و تدوین گردید، کتابی است از مولانا امیر مؤمنان علیه السلام. صاحب کتاب تاسیس الشیعه می نویسد:

«عن عذافر الصیر فی قال كنت مع الحكم بن عتیبة عند ابي جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام فجعل یسأله وكان ابو جعفر له مكرماً فاختلفا فی شيء فقال ابو جعفر یابنی قم فاخرج كتاب علی واملاء رسول الله صلی الله علیه و آله واقبل علی الحكم وقال یا ابا محمد اذهب انت وسلمة والمقداد حیث شئت یمیناً وشمالاً فوالله لا تجدون العلم اوثق منه عند قوم كان ینزل علیهم جبرائیل».

نام سلمان فارسی که حدیث جاثلیق و ابوذر غفاری که وقایع پس از پیغمبر صلی الله علیه و آله را جمع و تدوین نموده اند، باید در زمره نخستین کسانی که به گرد آوردن احادیث پرداخته اند، نوشت. بعد از آنها نوبه به علی بن ابی ^۲ رافع و برادرش عبیدالله می رسد که هر دو برای علی علیه السلام کتابت می کردند.

دوران امامت حضرت جعفر صادق علیه السلام از ادوار مشعشع نشر و اشاعه و ترویج علوم اسلامی بوده؛ در محضر پربرکت آن امام فرزانه، دانش پژوهان و محققان از هر فرقه افتخار حضور و استفاضه را داشتند و آن بزرگوار توفیق یافت که به مؤثرترین وجه و سهل ترین شیوه استدلال، مشکلات و غوامض دین را حل نماید و به همین سبب مذهب شیعه به مذهب جعفری نیز نامیده شد. بسیار کسان از آن بزرگ مرد مذهب جعفری روایت کردند:

«... حتی أن أبا الحسن الوشاء قال لبعض أهل الكوفة: أدركت في هذا الجامع

۱. رجوع کنید به کتاب معالم العلماء به تصحیح استاد فقید اقبال آشتیانی.

۲. وی قاضی کوفه و از فقهای عامه و وفاتش به سال ۱۱۳ هجری بوده است.

۳. وی در سال ۳۵ هجری درگذشت و کتاب السنن و الاحکام و القضا با بدو منسوب است.

(مسجد الکوفه) أربعة آلاف شيخ من أهل الورع والدين، كل يقول: حدثني جعفر بن محمد^۱.

و نیز گفته‌اند:

«إِنَّ الَّذِينَ رَوَوْا عَنْ الصَّادِقِ مِنَ الثَّقَاتِ كَانُوا أَرْبَعَةَ آلَافٍ رَجَالٍ»^۲.

تعداد راویان در آرای دیگر کسان از چهار هزار نیز تجاوز کرده و به ۶۶۰۰ تن هم رسیده بود.^۳

می‌دانیم که ملت شریف و ارجمند ایران که خود به داشتن مدنیت و فرهنگ عمیق و ریشه‌داری پیش از قبول اسلام مفتخر و مباهی بود، پس از پذیرفتن و پیروی از دین اسلام به نشر و ترویج معارف اسلامی دست یازید و با ساختن جهان نوینی مرکب از فرهنگ و تمدن ایران باستان و معارف اسلامی، بنای نو و استواری برای خویش برپا داشته است که از دیرباز، پس از گذشت روزگاران دراز همچنان بر سر پای خود ایستاده و با گزند حوادث ایام ختم به ابر نیآورده است.

دانشمندان ارجمند گرانمایه و فضیلتی پر قدر که در استواری اساس مدنیت اسلامی سهمی به سزا داشته‌اند، همه ایرانی نژاد بوده‌اند. این مردان آزاده دانشور با اطلاعات کافی و معلومات وافی، پایه معارف اسلامی را بنیان نهاده‌اند و به جمع و تدوین اصول مذهب جعفری قیام نموده‌اند. ارکان أربعة معارف شیعه به همت والای این دسته از علمای ایرانی بنیاد گرفت.

یکی از آن جمله کسان، أبو جعفر محمد بن یعقوب کلینی، صاحب کتاب نفیس کافی، است. کلینی را یکی از بنیانگذاران مذهب شیعه در آغاز قرن سوم هجری

۱. رجوع کنید به کتاب اصل الشيعة و اصولها، ص ۶۶؛ در کتاب الدرر، ج ۱، ص ۱۷ «نهضت شیخ» ذکر شده.

۲. وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۵۲۷.

۳. رجوع کنید به کتاب وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۵۲۳.

دانسته‌اند.^۱ مدت بیست سال به جمع و تألیف و تدوین کافی صرف عمر نمود که بیش از ۱۶۰۹۰ حدیث دارد. وی در عهد خویش به ثقة الاسلام شهرت داشت. او را از رؤسای فقهای امامیه برشمرده و نوشته‌اند که ریاست این دسته به وی پایان پذیرفت.^۲

دوران حیات مؤلف کافی با عصر زندگی نواب^۳ اربعه حضرت صاحب‌الکفایت تطبیق می‌کرد. گفته شد که کتاب کافی از طرف امام عصر^{علیه السلام} به توقیع الکافی کاف لشیعتنا توشیح شد. وفات کلینی را سال ۳۲۹ هـ نوشته‌اند. شیخ مفید کافی را از امّهات آثار و تألیفات شیعه دانسته است.

یکی دیگر از این شخصیت‌های ارجمند، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بابویه قمی مشهور و ملقب به صدوق و صاحب کتاب من لا یحضره الفقیه که کتاب وی دارای ۹۰۴۴ حدیث است. مؤلف گرامی این کتاب، خود نوشته که این احادیث را از آثار و تألیفات پیشینیان استخراج نموده است. وی به سال ۳۸۱ هـ درگذشت. دانشمند دیگری که در بنیاد ارکان اربعه سهمی ارزنده دارد، شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن طوسی صاحب دو اثر بسیار نفیس به نام تهذیب الاحکام و الاستبصار است. از شاگردان شیخ^۴ مفید و سید مرتضی است که در علوم و معارف

۱. در مقدمه کافی (چاپ آخوندی) به نقل از نهایه الدرایه (ص ۳۱۹) و لؤلؤة البحرین (ص ۲۲۸) آمده که کافی دارای ۱۶۱۹۹ حدیث است.

۲. رجوع کنید به کتاب تاج العروس سید مرتضی زبیدی، چاپ مصر.

۳. نواب اربعه امام عصر^{علیه السلام} عبارت از: ابو عمرو عثمان بن سعید عمروی، و ابو جعفر محمد بن عثمان عمروی، و ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سمري که در طول مدت ۶۹ سال، یعنی از سال وفات حضرت امام حسن عسکری (۲۶۰ هـ) تا زمان وفات آخرین نایب، نیابت را بر عهده داشتند. در اعلام الوری طبرسی برای مدت نیابت ۷۴ سال نوشته شد؛ زیرا غیبت امام^{علیه السلام} را از روز ولادت آن حضرت که به سال ۲۵۵ هـ روی داد، به حساب آورد.

۴. شیخ مفید بن ابی عبدالله محمد متوفا به سال ۴۱۳ هـ.

اسلامی از تفسیر و کلام و حدیث و اصول و رجال دست داشت و تألیفاتی در این دانشها دارد که تا به امروز ارزش خود را از دست نداده‌اند. کتاب تهذیب پیش از استبصار تألیف شد و دارای ۱۳۵۹۰ حدیث است که در ۳۹۳ باب تدوین شده. شیخ پس از تدوین کتاب تهذیب متوجه شد که بسیاری از اخبار با یکدیگر معارض‌اند و لذا در صدد تألیف دیگری برآمد به نام استبصار که مشتمل است بر ۵۵۱۱ حدیث و ۹۲۵ باب. سال وفات او را ۴۶۰ هـ نوشته‌اند.

باید دانست که این چهار اثر نفیس و گرانقدر، قرن‌ها مورد مراجعه و استفاده ارباب علم بوده و شروحی نیز بر آنها نوشته‌اند. بر کتاب کافی، ۲۱ شرح، و ۲۲ حاشیه و بر تهذیب چهارده شرح و بیست حاشیه و بر استبصار سیزده حاشیه و همچنین بر من لا یحضره الفقیه پانزده حاشیه در طول قرون نوشته شد.^۱

با وجود این همه شروح و حواشی که بر ارکان اربعه معارف شیعه نگاشته شد، مع هذا پس از سه مؤلف دانشمند و بزرگوار، قرونی چند بازار حدیث رو به کسادى گذاشت و رونق پیشین را از دست داد و تا قرون اخیر اقدام قابل توجهی در امر تألیف و تدوین احادیث به چشم نمی‌خورد. در آغاز قرن یازدهم، که مصادف با دوره پادشاهان صفوی است، بار دیگر علم حدیث به پایمردی سه تن از علمای بنام، رونق از دست داده را باز یافت. در همین عهد و زمان است که مصنفات نفیسی از محدثین بزرگ به وجود آمده. نام سه تن از محدثین این عهد به ترتیب تاریخ حیات آنان عبارت است از:

۱. محمد بن مرتضی معروف به ملا محسن فیض کاشانی، صاحب تألیفات^۲

۱. رجوع کنید به کتاب الذریعة که در مجلدات آن نام شروح و حواشی که بر کتب اربعه نوشته‌اند، ذکر شده.

۲. تعداد مؤلفات فیض را به دوست کتاب نوشته‌اند. برای اطلاع بر احوال و آثار وی رجوع کنید به کتاب: الشیعه و فنون الاسلام و هدیه الاحباب.

فراوان که مهم‌تر از همه *آلوفی* است در چهارده جزء. وی از علمای بنام عصر خویش بود و در سال ۱۰۹۱ هـ دارفانی را وداع گفت. فیض با مراجعه به کتب اربعه (کافی، و من لا یحضره الفقیه، و تهذیب، و استبصار) و حذف مکررات و شرح و توضیح مشکلات به تألیف کتاب *وافی* توفیق یافت و الحق از عهده آن به خوبی برآمد و دانش پژوهان و علاقه‌مندان به حدیث را سودمند افتاد.

۲. ابو جعفر محمد بن حسن الحرّ العاملی شیخ حرّ عاملی، مؤلف کتاب و سائل *الشیعة الی تحصیل الشریعة* که در سال ۱۱۰۴ هـ درگذشت. این اثر گرانقدر شیخ که در حدیث است، با استفاده از چهار کتاب مهم شیعه (ارکان اربعه) و بسیاری آثار دیگر، که تعداد آنها را به ۱۸۰^۱ نوشته‌اند، ترتیب و تدوین یافت و بر اساس مؤلفات فقهی تبویب شد و لذا اخبار مربوط به اصول دین از آن حذف گردید، مگر در مواردی که ضرورت نقل احادیث مربوط به اصول دین و اخلاق احساس شد که به مناسبت به نقل آنها مبادرت ورزید.

۳. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، صاحب کتاب معروف به *بحارالانوار* از علمای بزرگ قرن یازدهم هجری است. در طول ۷۳ سال حیات خود به تألیفات فراوانی دست زد که از همه مهم‌تر *بحار* است در ۲۶ مجلد. مجلسی و پدرش در عصر صفویه در زمره علمای معروف بوده‌اند. پدر، کتاب *من لا یحضره الفقیه* را شرح کرد و پسر، یعنی علامه مجلسی، به کثرت تألیف مشهور است.

در *بحارالانوار*، مؤلف ارجمند به جمع و تدوین احادیث و اخبار از هر نوع حتی از تاریخ و قصص پیمبران و امامان و مسائل گوناگون فقهی پرداخته و در تنظیم ابواب و فصول مجلدات این کتاب بزرگ از منابع و مآخذ اهل سنت نیز برخوردار بوده است. مجلسی در مطاوی کتاب، جای به جای، از حلّ غوامض و مشکلات

۱. رجوع کنید به مقدمه‌ای که بر طبع و سائل نوشته‌اند: چاپ اسلامی، تهران، ج ۱.

احادیث خودداری ننموده و تسلط خویش را در رفع آنها آشکار ساخته است. وی به سال ۱۱۱۰ هـ درگذشت. از تألیفات وی یکی *مرآت العقول* است در شرح فروع و اصول کافی در چهار مجلد که به طبع رسیده است.

پس از ذکر نام این سه عالم برجسته مذهبی و اشاره به آثار نفیس ایشان در حدیث، باید به ذکر اسامی بزرگان دیگر چون: محدث جزایری و سید هاشم بحرانی و جز آنان پرداخت که متأسفانه در این مقدمه کوتاه نام همه آنان نخواهد گنجید. جا دارد علاقه‌مندان عموماً و دانشجویان، به ویژه برای إحراز اطلاعات بیشتر، به منابع و مآخذ موثق و معتبر دیگر مراجعه و شرح و تفصیل مجاهدات ارزنده مردمی دانشور و دانش‌پژوه را که با بذل عمر در این راه یادگارهای جاویدانی از خود به جای گذاشته‌اند، مرور و مطالعه نمایند و آن را انگیزه معنوی و سرمایه تلاش و کوشش خویش در راه بسط و اشاعه بیشتر فرهنگ و معارف اسلامی قرار دهند؛ باشد که از این رهگذر آیندگان را چراغ هدایت فرا راه گیرند و در فهم و درک گنجینه‌های پربهای بزرگان علم و ادب، آنان را یار و یاور باشند!

با وجود تعصبات شدید مخالفان شیعه و تزییقاتی که آنان طی چند قرن متوالی بر شیعیان روا می‌داشتند و مخصوصاً در دو قرن پنجم و ششم که «قرن تعصبات و دوره تسلط اهل سنت بر شیعه»^۱ بوده، با این همه به سبب توسعه روزافزون مذهب تشیع و نفوذ آن در میان مردم بلاد و شهرهای بزرگ، هزاران کرسی و منبر و مسجد و مدرسه برای تقریر مسائل مذهبی توسط شیعه تأسیس شد. در بلادی چون: خراسان و مازندران و شهرهای شام از حلب و غیر آن و بلاد عراق چون قم و آبه و کاشان طالبان علم در حلقه درس استادان فحل و دانشمند گرد می‌آمدند و مذکران و

۱. رجوع شود به مقدمه کتاب تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی تألیف نگارنده فصل مربوط به «وضع شیعه در مقابل فرق دیگر اسلامی در قرن چهارم و پنجم و ششم» صفحه بیست و هفت، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.

واعظان که خود از علمای مبرز مشهور و سخن‌وران سخن‌دانِ نکته‌سنج بوده‌اند بر منابر و کرسیها و حلقه‌های درس به ذکر احادیث پیغمبر ﷺ و سخنان امامان برگزیده حق می‌پرداختند.

صاحب کتاب *النقض* می‌نویسد:

«... اما برای دفع شبهت، اشاراتی برود به شهرری که منشأ و مَوْلِدِ این قائل است که اوّلًا، مدرسه بزرگ سید تاج‌الدین محمد کیکی رحمته الله علیه مشهور به کلاه‌دوزان که مبارک شرفی فرموده است و قریب نود سال است که معمور و مشهور است و در آنجا ختمات قرآن و نماز به جماعت هر روز پنج بار و مجلس وعظ هر هفته یک بار و دو بار و درس علوم و موضع مناظره و نزول مصلحان در آنجا که مجاورند از اهل علم و زهد و فقها و سادات و غریب که رسند و باشند بوده است و هست...»^۱

عبدالجلیل در اثر نفیس و گرانمایه خویش از ذکر مجالس درس و فقه و شریعت که آزادانه در آن مدارس تشکیل می‌شد و سپس به نوشتن نام بزرگان و دانشمندان که در مدارس و مجالس به بحث و فحّص و تدریس می‌پرداخته‌اند، خودداری نمی‌کند و مخصوصاً می‌نویسد که از ری تا بلاد ترکستان و ایلان اثر علم و فضل و برکات زهد و امانت بزرگانی چون: مرتضی (علم الهدی) و شیخ کبیر ابو جعفر بابویه بر کسی پوشیده نیست و از متأخران چون: خواجه ابو جعفر درویدی و ابو الفرج همدانی و... و مفید عبدالرحمان نیشابوری و برادرش ابو سعید محمد و محمد القتال و فقیه عبدالجلیل و خواجه امام رشید محقق و خواجه حسکا و ابو طالب بابویه و خواجه ابو جعفر نیشابوری و قاضی ابو علی الطوسی و رشید علی زیرک القمی و خواجه امام ابو الفتح عالم که مصنف بیست مجلد است در تفسیر قرآن و مؤلف کتاب *شرح الشهاب النبوی* است که همه طوائف اسلام به خواندن و

نوشتن آن راغبند و غیر اینان از متقدمان و متأخران که به ذکر همه کتاب مطوّل شود و همه مدرّس و متکلم و فقیه و عالم و مقری و مفسّر و متدین و زاهد بودند.

از اواخر قرن چهارم بر اثر نفوذ کامل مذهب در ایران و تأسیس مدارس بر مبنای معارف اسلامی، فرهنگ ایرانی به رنگ دین درآمد و به ناچار اساس و پایه تعلیمات ایرانیان بر روی دین قرار گرفت و نویسندگان و گویندگان در آثار نظم و نثر خویش با استشهاد به آیات کلام الله و احادیث پیغمبر بزرگ و سخنان ائمه اطهار علیهم السلام، نوشته‌های خود را زینت می‌دادند و پایه و مبنای بحث و گفت‌وگوی خویش را نیرو می‌بخشیدند و در این شیوه بر یکدیگر پیشی می‌گرفتند.

مباحثات و مناظرات طرفداران فرّق مختلف اسلامی سبب شد که علوم شرعی به وجود آید. و در هر یک از شاخه‌های این علوم دانشمندان مبرز به نامی پیدا شدند که در دانشهایی چون: علم القراءه، علم التفسیر، علم حدیث، علم فقه، علم کلام صاحب تألیفاتی نفیس و گران بها بودند.

در اثنای دو قرن پنجم و ششم، فرّق دیانت اسلام از اشاعره، معتزله، اهل سنت و اهل تشیع و فرقه‌های دیگر و نیز زردشتیان، یعنی ایرانیانی که به آیین کهن ایران باستان وفادار بودند، در ری وجود داشتند. به علاوه از نژادهای مختلف، عرب، ایرانی، ترک، نیز بودند که قهراً بین خود مجادلات و مناظرات فراوان داشتند که گاه آن گفت‌وگوهای سراپا تعصّب و مناقشات به زد و خورد خونین منتهی می‌شد و نیز هر فرقه برای به کرسی نشاندن عقاید خویش دستگاه تبلیغاتی علیه فرقه‌های دیگر تشکیل می‌داد. علما و وعّاظ با تشکیل مجالس وعظ و تذکیر و بیان عقاید خود به نشر و تقویت آرای خویش می‌پرداختند و افکار و عقاید فرقه‌های دیگر را رد می‌کردند. در بعضی از شهرهای مهم خراسان چون: مرو، نیشابور، بلخ، هرات، بخارا، خوارزم بساط وعظ و مجلس تذکیر رواج بسیار یافته و وعّاظ چیره‌دست با ممارست در این کار به سختی در ردّ عقاید فرّق دیگر قیام کرده بودند. وعّاظ مشهور

چون: محمد غزالی (۵۰۵هـ) و احمد غزالی (م ۵۲۱هـ) و قطب الدین مظفر بن اردشیر عبّادی (۵۴۷هـ) و ابوالفرج عبدالرحمان بن جوزی (م ۵۹۷هـ) که در وعظ چیره دست بودند، به ظهور آمدند که مردم به حضور در مجالس وعظ و استماع سخنان مؤثر و دلنشین آنان رغبت بسیار نشان می دادند. ری چون بلاد خراسان مرکز وعظ و تذکیر بود و واعظان سخنور و دانشمند در این دارالعلم پا به عرصه وجود گذاشتند که یکی از آنان شیخ ابوالفتوح رازی است. تفسیر بزرگ ابوالفتوح یک رشته مجالس وعظ و تذکیر و مناظره و بحث و مجادله با فرقه های مختلفه است و شیخ بالحن و اسلوب و اعظانه به تألیف این اثر نفیس مبادرت نمود و در حقیقت همان مجالس وعظ را به شیوه های عالمانه تر و شیواتر و ادیبانه تر نگاشته و تدوین نموده است.

شیخ خود از مشاهیر وعّاظ ری بوده و اساساً تفسیر او بر پایه ردّ آرا و عقاید فرق دیگر اسلامی استوار گردیده که با زبان پارسی دری و لحن عوام پسند و عامیانه آن عهد ولی به شیوه عالمانه به هم پیوسته و تلفیق شده است. وی در شهر ری می زیسته و اصلاً از مردم همین شهر و از مشاهیر علما و محدّثین و فقه های شیعه امامیه ری به شمار می رفت و در نزد عامّه مردم از شیعه و اهل سنّت و جز آن مقبولیت عظیم داشته و در محله معروف به خان علان که از محلات شهر ری بوده، مجلس وعظ و تذکیر داشته و مورد توجه عموم مردم بوده است.

حاجی میرزا حسین نوری، به روایت از ریاض العلماء و صاحب ریاض العلماء به نقل از کتاب شرح شهاب شیخ، در مستدرک می نویسد که ابوالفتوح چندگاهی بر اثر سعایت رقیبان و هم چشمان که از او نزد والی شهر کرده بودند، از ادامه وعظ ممنوع گردید و مجلس تذکیرش چندی تعطیل شد؛ ولی یکی از همسایگان وی موجبات رفع آن مشکل و لغو دستور والی را فراهم نمود و مجلس وعظ را دوباره دائر کرد. باید افزود که شیوه وعّاظ و مذکّران در مجالس وعظ و تذکیر چنان است که پس از

بیان یک مقدمه کوتاه به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند و با بیانی ساده که در خور فهم عوام باشد، مطالب مورد نظر را تحلیل و تجزیه می‌کنند و در اثنای سخن از ذکر اشعار مناسب، که در عین حال موجب عبرت و تنبّه شنونده باشد و نیز از استناد به آیات قرآنی و احادیث نبوی و علوی و سخنان ائمه اطهار خودداری نمی‌کنند.

شیخ همین شیوه دیرینه را در نهایت کاردانی و مهارت و با احاطه به قرآن و احادیث و احکام فقهی در تفسیر خود دنبال و در اثنای بیان و پرورش مطلب از بسیاری از احادیث نبوی و سخنان امامان استفاده کرد و برای تأیید و اثبات نظر خویش، بدانها استناد جسته است. باید بدانیم که استناد به آیات قرآن و احادیث در نظم و نثر گویندگان و نویسندگان فارسی زبان از اواخر قرن چهارم دیده شد و این کاری نیست که ابوالفتوح بدان آغاز کرده باشد. تفسیر ابوالفتوح بسیاری از علوم را متضمن است و از جمله این دانشها که شیخ به ناچار بر آن اطلاع و احاطه داشته، اخبار و احادیث است؛ «اخباری که به آیه لایق باشد تا بدان وسیله سبب نزول آن آیه گفته شود...»^۱

تفسیر شیخ متضمن بحث فقهی مبتنی بر استنباط احکام از کتاب و سنت است. اشکالاتی که در استنباط احکام روی داده، مربوط به زمان بعد از رحلت رسول صلی الله علیه و آله است. فتوا در مسائل دینی و راهنمایی در نحوه اجرای فروع احکام شرعی، اندک اندک به دشواری و اختلاف رأی کشانیده شد.

شیعه روش فقهی خاصی که بر اساس تعلیمات مولا امیر مؤمنان علی علیه السلام استوار بود، اختیار نمود و به جز کتاب و احادیث نبوی احادیث و سنی هم از ائمه اثنا عشر داشت.

شیخ در اثنای تفسیر مسائل فقهی به شیوه فقهای اهل تشیع، علاوه بر کتاب و

سنت از احادیث و اخبار امامان و علمای شیعی مذهب و محدثین همین فرقه استفاده و استناد می‌کند و هیچ رأی را جز از خدا و رسول و ائمه نمی‌پذیرد. تکیه‌گاه منحصر به فرد شیخ در بیان مسائل فقهی و تحلیل و تجزیه آن و ردّ عقاید مخالفان و اثبات و تأیید آرای فقهای شیعی مذهب فقط آیات و احادیث است.

به همین سبب اهمیت انعکاس احادیث نبوی و سخنان ائمه هدا در تفسیر کبیر شیخ آشکار می‌شود و جا داشت که ضمن مطالعه و تحقیق در این تفسیر بزرگ، که جامع معارف اسلامی است، در باب احادیثی که ابوالفتوح در اثنای تفسیر بدانها استناد جسته، تتبع کافی به عمل آید. نگارنده از آن‌گاه که تفسیر شیخ را در مطالعه داشت، به هر وقت که به حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و یا از جانشینان برحق وی برمی‌خورد، آن را جداگانه یادداشت می‌کرد. در انجام مطالعه، نخستین بار بالغ بر ۶۵۰ حدیث نبوی در دست داشت که شیخ در اثنای تفسیر استناداً به ذکر آنها پرداخت. سپس از آن با مراجعه و مطالعه کتب حدیث چون صحیح بخاری و صحیح مسلم و جامع الصغیر و کنوز الحقائق و عینی و قسطلانی و نووی و عسقلانی و مستدرک و سفینه البحار نسبت به تکمیل و تنقیح آن مبادرت جست و مآخذ جدید را برای مزید استفاده در آخر هر حدیث نقل کرد. سپس برای دانشجویان عزیز و دانش‌پژوهان ارجمند از این احادیث بهره بیشتری به دست آورند، به معزب کردن حدیثها پرداخت و برای حصول اطمینان بیشتر در صحیح اعرابگذاری این احادیث از دو سه تن از دوستان فاضل ارجمند یاری گرفت و در مواردی چند از نظر صائب ایشان برای ضبط صحیح اعراب بعضی از کلمات، که در آنها تردید داشت، بهره‌مند شد و نیز در پیدا کردن مآخذ بعضی از روایات یکی از دوستان ارجمند، به من بنده یاری بی‌دریغ مبذول داشت. در همان اوان، که کار جمع و تألیف احادیث نبوی، به پایان رسید، بر آن شد که ترجمه فارسی آن را که شیخ ابوالفتوح گهگاه در اثنای تفسیر آورده، بر آن بیفزاید تا علاوه بر فایده بیشتری که طلاب علوم دینی و وعاظ

و سخنوران مذهبی و دانشجویان ارجمند از آن خواهند برد، همه مسلمانان مؤمن و معتقد که به زبان عربی آشنایی ندارند، ولی به زبان فارسی امکان فهم و درک مطالب دینی برایشان سهل و حاصل است، از این سخنان ارزنده آن هم به زبان فارسی و به نثر روان ابوالفتوح کسب فیض نمایند. در پایان این کار توفیق یافت که ترجمه ۴۹۸ حدیث نبوی را از متن تفسیر به دست آورد و پس از هر حدیث آن را نقل نماید. بدیهی است که در نسخه مطبوع تفسیر، اغلاط فاحش چاپی به چشم می‌آمد که همه را با مراجعه به نسخه‌های مخطوط و فرهنگها و مآخذ و منابع معتبر، اصلاح و سعی نمود که صحیح آن کلمات را یادداشت و طبع نماید. در این قسمت از احادیث که از صفحه ۴۱ تا صفحه ۱۸۷ متن کتاب حاضر طبع گردید، احادیث را به ترتیب حروف الفبایی منظم نمود و نیز برای سهولت مراجعه علاقه‌مندان و محققان و طلاب علوم دینی و دانشجویان گرامی، شماره صفحه و جلد تفسیر را نیز در آخر هر حدیث ذکر نمود.

پس از اتمام و فراغت از این کار کلیه احادیث و اخبار نبوی را که به فارسی، در اثنای تفسیر شیخ آمده با دقت خاصی استخراج و تنظیم نمود. ترتیب این قسمت از احادیث، که از صفحه ۱۹۱ کتاب حاضر و به شماره ترتیب ۶۵۰ (احادیث به ترتیب شماره گذاری شده) شروع می‌شود و به صفحه ۵۳۴ خاتمه می‌پذیرد، غیر از آن است که سابقاً مذکور افتاد؛ بلکه ترتیب احادیث فارسی (ترجمه سخنان پیغمبر صلی الله علیه و آله به نثر ساده و روان ابوالفتوح) بر اساس مجلدات پنج گانه چاپی قرار داده شد؛ به این نحو که هر حدیث با ذکر نام راوی و یا راویان حدیث آغاز و متن حدیث در « » گذارده شد و در پایان هر حدیث، شماره صفحه و جلد را، از تفسیر چاپی پنج جلدی، برای تسهیل مراجعه علاقه‌مندان ثبت نمود. احادیث فارسی، یا در حقیقت ترجمه فارسی احادیثی که شیخ از نقل و ضبط اصل حدیث خودداری نمود، مجموعاً به ۱۲۴۸ بالغ است.

پس از احادیث نبوی، سخنان ائمه اطهار را به همان شیوه پیشین جمع و تدوین نمود که از شماره ۱۸۹۹ تا پایان کتاب را شامل است.

ذکر نام دوستان ارجمند آقایان: عبدالحمید بدیع الزمّانی و دکتر سید جعفر سجادی و فیروز حریرچی معلّمان فاضل دانشگاه، که هر کدام به نحوی در این کار مرا یاری فرموده‌اند، ضروری است. آقای بدیع الزمّانی مآخذ بعض روایات را پیدا کرده‌اند و دو دوست دیگر در مقابله و تصحیح فرم‌های مطبوعه و اصلاح بعضی از اعراب کلمات مرا شرمندۀ احسان خویش ساخته‌اند.

بجاست که از دوست فقید خود دکتر عبدالرحیم نجات، به یاد خیر متذکّر شوم؛ زیرا فقید سعید در چند مورد با اظهار نظر صحیح درباره ضبط کلمات مرا یاری فرمود. خدایش غریق رحمت بی‌منت‌های خویش فرماید!

با این همه می‌دانم که نقایصی در این مجلد، به چشم نکته‌سنجان دانشمند خواهد آمد که درخواست دارم بر این بنده منت گذاشته، وی را آگاه فرمایند تا در چاپ‌های بعدی مورد استفاده قرار گیرد و به نام خود آنها ثبت و ضبط گردد.

به پایان رسید مقدمه «احادیث تفسیر ابوالفتوح رازی» به خامه این بنده ناتوان، عسکر حقوقی، به تاریخ دوشنبه پنجم تیرماه ۱۳۴۶ خورشیدی مطابق با هفدهم ربیع الاول ۱۳۸۷ ق (روز میلاد مسعود حضرت رسول اکرم ﷺ).

تهران - تهران پارس

فهرست مطالب

۵	فهرست اجمالی
۷	مقدمه
۷	حدیث و معانی و تعریفهای آن
۸	حدیث نبوی و قدسی
۱۰	اقسام حدیث
۱۱	علم الحدیث
۱۱	درایة الحدیث
۱۲	مراتب اهل حدیث
۱۲	شعب و فروع علم حدیث
۱۳	ناقلین حدیث در عصر پیامبر
۱۴	جمع و تدوین احادیث پس از رحلت رسول اکرم
۱۸	نقد احادیث و عصر صحاح
۲۲	شیعه و جمع و تدوین احادیث
۳۹	احادیث نبوی
۱۸۹	احادیث نبوی صلی الله علیه و آله به فارسی
۵۱۵	احادیث ائمة اطهار علیهم السلام
۵۳۷	احادیث ائمة اطهار علیهم السلام به فارسی
۵۷۱	فهارس عمومی
۵۷۳	۱. فهرست آیات
۵۸۳	۲. فهرست احادیث نبوی صلی الله علیه و آله
۶۱۱	۳. فهرست روایات ائمة اطهار علیهم السلام
۶۱۵	۴. فهرست اعلام
۶۳۳	۵. فهرست گر و همها
۶۳۹	۶. فهرست کتابها
۶۴۳	۷. فهرست امکنه
۶۴۷	۸. فهرست مطالب